



## وزارت مالیہ

در شاهراه گفتگه میگفتند مصدق املاک باقی و وزیر طایله تکر دادنیم و خصوصه  
نهادن از خود بده که قبل از درج لوایح واردہ این قبیل اشخاص را که مورد سوء ظان میباشد  
از اطراف مستشار طایله برآورده نظافت و ایانک هم بر حسب خواهش عده از دوستان از  
ارسات آتیه درز های فعلی طایله را که مشغول خدمت هتلدار با سار دزد هائی که در کارخانه  
می باشند بناور مژروح و منصل در شعبن مقابله مسائل به مستشار طایله معمر خواهیم  
نود و اگر مطابعه صحیحی هد پیدا کردیم در صفحه مقابل ترجیه انگلکاری اورا در  
حواله امداد

کم طود حضرت والا تصدق بفرمایاند که  
ابن مطاب از موضوع استبعاد خارج بود  
جون آفی وزیر بست و تکرار حضورداران  
اگر میل دارید قول امینند حوب ابن مطال  
را ایله خودشان خواهند داد

دعا با التزام

بلده با نهایت قدرت می توافم اند  
کنند که از بدو انقلاب سیاسی روسیه تا  
امروز که **شکلیه** در ده قدرت مملکت ما  
و اینگراید و این **خواسته خوبی** خوبی در این  
**کندا** خانه چه بسا مقدمین قولی لبیم و  
متوجه عن صوری شرع اشترک و ساکنین سو  
سیا بهزمن و **معاقن** سرهایه دار و کار فرم  
بعرصه وجود آورده است با این حال میان  
این **آفغان** دو نفر یافت نمی شود **که** از  
ماهیات و **کیفیات** اذایات روسیه و آلمان  
و اعمال روسی ها د ختایق آن قلمه و ماه  
الماد و کرداری امسوؤل و لذتویک ها و عاد  
المال عدم یاش رفت بالشویزم و نظریه  
سیاسی و اقتصادی دول **منظمه** نسبت با  
پالشویزم و اختلاف ظل دول و مال  
دو این موضوع **با پیکنیکر** و هیزان  
آهوان کار کران دین ا در ماده کار کران  
روسیه و سیاست سایر کار که ها در موضوع  
شالاس آیند **مکومت** بالشویکی بحکومت  
متیوعه خوبیش و هویت سرتایه و کیفیت مر  
مایه دار و متی و مفهوم کار و بکل فرم  
محصر اطلاعی داشته از روی بصیرت واله  
و متذکر بالشویکی و بالشویزم در این راه  
شده هندرات متأثر روسیه را استخراج و  
استنبط **برگاند**  
سلما **اسکر** چنین کسانی در ایران  
وجود داشند اولا اذوی معرفت علاج  
مرض من من اقتصادی مملکت خوبیش را کرد  
جلو بین شواید ها را کرفه ناج انحراف  
نهرق فرقان خوبیش می کنداشنده

برای تکمیل اینها اراده خود پیش  
ای اساسی و بی اطلاعی ساختن سوسیا ایز  
و متمدنان این از آمال<sup>۱</sup> و اعمال انلایون  
روسویه که کله در همار اقتصاد دور می‌ازد  
بنده مقاصی بدست آقایان عظام داده  
ذمیه ام به فوده با وجود آن ممتاز که  
تو پژوهش تصور اصل روس ها و تصریح  
مهماهیات انقلابات روسیه و تصریح ما  
التصور آن ها میله الاختلاف کارگران طالب اراده  
جنانچه هر یک از این قوات مقدس  
جهه موافق و پنهان مخالف عقیده بلده و پوشیخات  
صحیحه افی و اطلاعات میدو طه عالی در  
این خصوص دادند و بنده با نهایت امنان  
مارق عیوبات توپیج دهنده وا بگردان چنچت  
خوبش کدار ده و خمنا یک و صله ظرفی  
وطئی هی تو زان صله تقدیم حضور ایشان  
دو آمام

آقیم های باطل است که قیمت ندارد و یک قیمت شنید هم اسکر قیمت دارد شایسته بیشتر که دولت آن تدبیرها را که برای امواله می نشاند پیروزی پسر سالم پس این تدبیرها را تندی توان یکیک دارانی برای دولت درست امود که بگوئیم صد هزار تومن با دوستی با سپهه هزار تومن قیمت داشته است . مولانه مدعی بود که این تدبیرها برای روئای و سایر فساده میشود و اخلاص دیگری از مشتملین بست و فکر افظاع امار اطلاع می کردند برای اداره پست فرسنده میشوند این مطلب محقق چنانچه بود و لبته تحقیق میباشد از اشخاص با اطماع و مخصوص بشود در این باب من بد و سیله نجیب گرم یکی از این و یکی از برادران از برادران از جمیع اتحادیه ها را برای ایزوکل جواب رسید که این قدر تو این اصراف براساند و از این از جمیع اتحادیه های تدبیرها را برای اداره پست مینزندند و اداره پست مینتوانند بور مصرفی که بتوانند براساند در واقع مضمون هرده تدبیرها بشکنند برای اینکه این تدبیرها را بود حالا به شنبه ایک این تدبیرها صورت گام این است که اک در وزارت پست یک موئیه دائمی مقضی بود از این سه های تدبیر ایالتی که یک کلکسیون در آفر چانکه دارم این جا باید اعتراف نمود که در مدت مدیدی که موپلور رانی بشت بوده هرج دستوری از طرف وزیر پست و داده ایشانه بود که او بله موزه کی-کیونی از قیمهای مختلف مرتبت شکنده ایان چهت الله هاشمی خواهد باید ایجاد کرد که هر زریب موزه نداده است این اتفاقی است که نمایندگان نشانی خودنمایی خواهند نمودند این تدبیرها را حاضر کردند ولی نظر بان ماه آذربایجان را تدبیر کردند ولی نظر بان که در ظرف سه ماه تا به آن اشکال داشت تمدید کرده و تمدد نهاده کنندی سپار ماقن و محققی نوشته که در ظرف چهار ماه این سریما را نهیمه شکنند و وزارت پست و تاکراف فرستند امده از در رفاقت تدبیر های مزبور الله آقایان خوارباری با در وزارت پست و تکرار بخط شد با برای کتاب خانه مجلس فرقه شد در این صورتی یعنی دارم اتا و پیچای عرض خود شهادت میلایم هیزرا تصدق فرمایند این دک دارای ماهیت بوده است که دوستی با سیصد هزار تومن حساب بود و گفته شود مطابق قانون اساسی دولت و مولپور مسئول قنوط ایان هستند همینطور برای تدبیر های ابطاله بشور هم اینشود قیمتی تصور کرد زیرا وقتی که و پیشتر آن ها واخاذه کرده قیمت آن به شصت هزار فرانک هم بالغ ذی شده است و این که مینتوانند در کاتالک قید شد یکی دو سایر قیمت داشته است علanch این است که در آن مومن که این کاتالک بطبع رسیده است آن قیمتها نایاب بوده و الا هر کمز این قیمت را باید نهی کرد پس معلوم شد این خدمت را هم

آن کمیون توانست نتیجه بگیرد و از  
هم این بود که هبته بر خدمت مولیتر فرام  
کرده بودند و پندری جایت و فعالیت  
دانشگاه که هر شخص شجاع و مهوری را  
مرعوب می‌گرد و آنقدر این ترتیب مخالف  
مسالک و عقیده من بود که مأخذین  
ادارات و اشخاص مخالف بتوانند دولت  
را مرعوب کنند آن هم دوای که من‌کی  
به قانون و مجلس باشند و بخواهد موافق  
فاوون و بر طبق تحقیقات عمل که بدینها  
است بیک جنین دولتی مرعوب این شود  
و آقایان هم تصدیق می‌کنند دوای که  
مذکون به قانون و مجلس شورایی های باشد  
بله اراده خود را بر اهلی مملکت نجیب  
کنند اما اینکه مرعوب اراده اهلی مملکت  
واقع شود و هن حفظنا اشخاص دیگری  
را سراغ نداشته که در این قصه بی‌غرضانه  
تفاوت کنند محاکمه را هم در آن موقع  
نهضتی نمی‌نمایند زیرا کار بدانی نرسیده  
بود که ممتاز تعلیم باشد بن رایپورت  
کمیون را خواسته و در هیئت روزگار  
خود مولیتر را احاطه کردم مطالعه مهم  
در هیئت وزراء رفاقت و از خود مولیتر  
آوضیات خواهش شد تسبیت بمطالعه کردم  
آن آنکه اینچه توشه شده بود و آقایان هم  
البته دیده اند و تصدیق - و اهند فرمود که  
بسیاری از آن مطلب را بگذر ای اساس  
و با غیر هم است تنها مطابق که مورد  
توجه شد و دو افراد دو یکی تبریز های  
بطله و یکی رسایه نهاده بین المللی اطراحی  
به تبریز های بطله دیدم همچو قانون و  
اظمامه اداری و مستور وزارتی پیشست که  
تبریز های بطله را در ادارات دولتی و در  
وزارت خامن ضبط کنند و برای دولت  
حفظ تواند حفاظک در سایر وزارت خانه ها  
هم تبریز های بطله بخطبته شد ازوزارت  
بست پسر بیدار یک چنین دستوری صفت که  
تبریز ها را نگاه دارند و مستور دولت  
فرودشان معلوم شد جنین قانون و ظمامه  
وحود نادرد و بعد دقت کردیم که تبریز  
های بطله از جه قیل است که در موقع  
عیارت از تبریز های انتی است که در موقع  
اشغال ظامی قبور اتفاقی دارد یعنی  
مور شارش شده است در این خصوص از  
مولیتر سوال شد لیکه آیا شما این تبریز ها  
را بزرد اید و فرزرنمی - اید و اخبار  
گرد و نکت من وقی که بپارهید و برقا ای  
تبریز های دیگر می‌باشد سکردم و بطور  
جهی و عی، بصرف رسانم و این کار از  
از نهاد نظر صرفه جویی کردم و اگر این  
کار نمی‌کردم مجبوری شدم یک  
اعیارات دفتری از دولت تقدیماً کنم در  
آن موقع افتخاری که من بقولی کردم این  
لیود چه چرا تو این قیمت ها را می‌باشد  
کردی بلکه یا او کسنه تو چرا این تبریز ها  
را بصرف رسالی یا پس این تبریز ها را  
می‌توانی و مددوم ای کردی زیرا برای  
از ازهار پست ایران کشیده است همچو  
تبریز ها را قادر و قیمت بدهد و از قدر  
آن هزار پاشد

جمعی از امینه‌گان - صحیح است  
اما راجح تبریز های بین المللی مطابق  
تحقیقاتی که شد اولاً رسی های نهاده بین  
المللی را که ایران دول اتحاد پیش من جه  
ایران می‌فرستند بیکه مفارض در خداد  
دانشگاه در سه جمله تشكیل دادند او  
علوم شد مطالبی که بود تو  
آقایان و ائمه شده است پیش از دوسته مفدوه  
است

## آفریده شد

مرا جون نوایی که غمگین اگر  
پدان ڈا مردا کام شیدان کلی  
پدان نا مرا تاج زدن کنی  
یخشت زرو نزهه تزیین کنی  
نشل حلام اکر ذن کلی  
اکر طوهم از عقد بروون کنی  
ک در آخر خشت ساین کنی  
مرحوم حمام المطاطه

آقای دشنه مدلر محترم شفقت سرخ و چند  
نفر دیگر دامن هست بر کمر زده با چشم  
قوای خرابی های معارف را اصلاح نمائیم  
و من الله التوفیق  
(نهاد)

## وارکات الاری

خدمت مدین چریده فردیده شهاب  
مناسعیت برای اظهار قدر دانی و  
تسکر ازهه ای اشخاص حسنه معارف بور  
این چنان سطر را در جریده شویته درج  
فرمودند

سنه، ماضی، زمانیک پنده کفمل معارف  
قریبین یو دم کلام های ای سر مجانی نایسی  
نموده و حضرت بندگان آقای خداگیر خان امیر  
اشکر که کوموت داشتند خرج روشنانی  
کلامها و شباها را مجافا را حمت و نهاد  
مساعدت راعیل یاور دند چون این حسن  
معارف بروی از ایشان در معارف قریبین  
سابقه بود در ۱۷ عقرب ۹۴۰۱ که بند  
با علم قوایی مکنند که یک عدم اشتباخ  
بدسانیه و الابنی که کرسی های این وزارت  
شود مکر آن که تمام دولی و وزارت معارف  
در تحت اظیر آقای سعیدی و امثال ایشان  
پاشدو یقینه ما باید علاقه نماند رسادت  
ایشان گردیده که را کدام پرتوی پیشیق  
کام، های در هنای آقای رئیس وزیر ایشان  
خانه را اشغال نموده الد خارج شده و یکمده  
حوالی هیئت محضان مدرس طب و دارالفنون  
و اسایر مدارس را ایشان خواهد بود و مادر  
که ایشان عده از مغارف خواهان حذفی مغل

محصلین است که برخلاف سوابت بساق که  
کرب رعن و افت فرانس به مقامین داده  
می شد در این سال با توجهات مخصوص  
محترم معارف سیصد جلد گل ایشان علی  
و تاریخی (از قیل قابوس نامه و کتابی  
رسادت و نایسی مدن اسلامی و دوادوی شری  
قدیم) بعوض رعن و کوب افت بدھصلین  
داده شد که علاوه قابل استفاده بودن کثیر  
مزبور طرف احتیاج بوده و در سال آنها از  
خریدن کتاب های فزارور مخفیت آیینه شد.

بعد عدم حضور در مدرسه نظام  
حسنود بازه نایسی قومناسیک شروع گردید  
(یکنثر ایشان ایشانی)

حیثیت خدمات آقای سعیدی رئیس کل معارف  
در این مدت قابل دادند که معاونی امور معارف  
می باشند شایسته هم کوئی تقدیر است و ما  
اطمینان داریم که وزارت معارف اصلاح اینی  
شود مکر آن که تمام دولی و وزارت معارف  
در تحت اظیر آقای سعیدی و امثال ایشان  
پاشدو یقینه ما باید علاقه نماند رسادت  
ایشان گردیده که را کدام پرتوی پیشیق  
کام، های در هنای آقای رئیس وزیر ایشان  
خانه را اشغال نموده الد خارج شده و یکمده  
حوالی هیئت محضان مدرس طب و دارالفنون  
و اسایر مدارس را ایشان خواهد بود و مادر  
که ایشان عده از مغارف خواهان حذفی مغل

## جشن دارالفنون

بطوری که در شماره قبل اطلاع دادم  
در اینججه خدمات و جدت آقای آلمیرزا  
احمد خان سعیدی رئیس کل اوقاف و تبلیغات  
روز دوشنبه، جشن باشکوه و همین سال نوزیم  
تصدقی نامه در وزارت معارف کرده  
شد.

بررسی دعوی که قبلاً پهل آمده

بود هیئت محترم دولت وزرای ساق و

نمایندگان پارالمان در مجله جشن حضور

پس از این مقدمه است

به این ها لائق اقلاب سیاسی و

و سایرین ساپر از قاعده تحصیل های مدرسه  
دارالفنون افق منصبی (ایکی راجح بخدمات  
امیر کبیر) — و یکی در موضوع فردوسی  
و امیر شاهزاده و دیگری در حضور  
امیت معارف و مقامه معارف آستان و ایشان  
و اصلاحات میگهی روحا نیز  
و اختیارات آنها و روحا پیش و کابینا

و رسوم گلایا معلوم کردیده را اینججه فتح

اقلب ایشان طرز تحسیلات و تبلیغات سایه

مبدل به تربیت تحصیلات و تعلیمات جدیده

باشیکی شده ولی اینها همه و قدرت

و قلوخات و عملیات انقلاب اقتصادی کنوانی

روییه پس از جنگ سال فداکاری بجهیز القبول

نایابون موفق فتح ایشان از قریبی ملیوتمن

تفویض انسانی و ملیاردها تروت نایابه مینه

دست نیامده ایکه در مرضی موارد زیمن انقلاب

در قابویل دو عبادت گذان خواهد بود

سکر عقب نشسته من جمهه عالیات شخصی

را که ایشان در اولین قدمه نفوذ

کردند اخیراً همچویه یه اصدقی محدود آن

شده و هم چنان سوابیه های نایاب را از

قیل جرح و پول و مائی و غیره که در این

قدم از دست دادند اینکه فرضه زندگی

دانسته بدون آنها ترمیم و تقطیع اقتصادیات

خود را غیر ممکن خواهند اخیراً از دول و

ملل دیگر مضرعه نهضاتی میباشد

هم و جواب دقت و توجه بود سنه جازی ایشان

بقداره

شناک به بی خوش انگیختن

سحر که به شربت بر آمیخته

گز افتر بر ایشان رس سوزانی

دهن را گشانه چون روز نی

بلندیج و قزوین حکم آورند

سخن دز حباب در لک اورند

خلاصه اسکندر هم شکر خود را بیاراست و

بزرگان اتکر هم گرد شاه

نشانه چون احتران گرد مله

قدر خان ز چین گور خان از حق

رئیس از مساین و پهله از یمن

دوانی ز انجیان و هدی ذری

قیاد صفاری خیز خوبیان

ز رویاند گلیان ز مازندران

پیل آنکه از گشوار خاوران

مینه از خراسان و فور از عراق

اسکندر بازها هفت بار مصادف داد و

(زخترخان قفال کوپال لام) کشته شد و خود قفال

هم کشان کردند از قیل

(زو زنده، سنجاب رو بای و اهل

هان گره ایشان نا دیده اهل (

و قام و (سموره)، و گان و (مقانی خایاف

و ذیر جد و غیره مخصوصاً مقدار هنگفتی

(زسر های سنجاب و اهل سور

## گذار در پیش ایشان سلاسل گرد

ییانه، خیل فیضان دید

در و اینباش سان ساق قید

و از آنها هم گذشت، بهر هفته هنایی چند راله

بهر هنایی هنایی چند ماند) تا عابت به روسها

زربک شده و

جو قنطآل روسی که سالار بود

ند آنکه که کردند بیدان فار

کی اشکر ایکیخت از هنایی دش

زور طاس و آلان و حزوان گروه

بر ایکیخت سانی چو دریا و کوه

از این سو زمین تا نیچه دشت

زمین را به تنخ و زرده در نوشت

روسما با چنی قدوتی که

جو طارض شمرد آنچه در پیش بود

ز نامسد هزارش عدد پیش بود

پرداری قنطآل مزبور که (شاه روس) بود آمدند

و در (دو فرسنگی از گشوار میانند که نشون

مشغول تداوک چنگ شدند فظایم در این موقع از زبان

قنطآل بعضی نکوشانند فظایم در این موقع از زبان

ایران را در موقع چنگمای ایران و دوس در عهد فتح

عای شاه بخانه میاورد چنانکه کویده

مه کارشان شرب و ما شکری

ز جوشیده بیرون طبیعت نماند

و آذجاً سوی دشت حوارم راه

در آن تاختن بود بخوباب و خود

## (انقلاب های جهاد کله ) (روییه)

این انقلاب که انقلاب اولیه سیاسی است از  
دست کیمی امیرا طور و بسته کاش شروع  
شده در العدام قوای کاجاچ و دراکل و  
دگنگ خانه باشه و هنایی مقدمه  
انقلابات اخیره روییه را از هم تکلیف نموده  
توجه خواندگان را به ماهیت پک آنها  
و مخصوصاً انقلاب گزونی جل کرده و  
یادداشت مدارس و مکانیزه را مختص بینی  
اووه و آن که مخصوصه بپاره دارد

پرای درکل فضایا باید بیدوا بدانیم  
وظیفه شور و آزادی و اقلاب که خروج آن  
از حد اندک روییه و سیم اسرزوه را قتل  
کاه خونین بی ظیر و کذا خانه نموده است  
نه این است که تازمی در مشعیه دماغه بزیر  
شور شبان روس منقد گردیده و اخیراً  
منولد شده است باک از سایهان قیل وجود  
داشته اندلاعیون هشتاد و نود سال قبل  
روییه از قیل (کوکسپه ها و پوشکن  
ها و اورهاندوفه ها) و غیره در مقابل  
فشار کفر شک تربیت تحصیلات و تعلیمات  
و بومبارده شر ها با ایهای شهادت  
رشادت مشغول بروزش اهل انقلاب بوده  
رقه رفته احیان ایشان آشیان آزادی خواه  
آنها مغز باره از ظالمی ها را از قیل  
(کورنلها و لامانها) و قیل آنها است

طومار احیانات حیثیت طبلانه روسیه  
را هر که روییه تحلیف و تدقیق  
کشیده اند از نظر دقت و قیس بگذرانید  
بخواهی می یقین که هر چه زمان جلو تر  
آمده و فشار قدر از شده توه و شد  
احیانات بیشتر کردیده تبلیغات ها نهایه  
ها بعرصه وجود آمده بود آنها از از از این  
کونا کونی سبیل بیارادی موده تا آنکه آشیان  
انقلاب از وکان چیز نایری خواهد بود  
شعله و رشد شعله موب آن در اولین وحد  
خیمه هستی بلکلا و سایر خوانده های  
روماف ما و باران آنها را مو زایده

## دو ابطار سوس و ایو ا

- ۷ -

چو زنیکو ببرکنچ ره یافتند

شاتندگه زادمان که بشتابند

شاتندگه زادمان که خلخانه

که خلخانه زادمانه و درانه دهن

هه رهه زنده جنگون گردیده و شیر

بچو زان از ایلارند و سرخون دلار

زروسو بجودید کمی مردی

کچوز صورتی بیشان ز آدمی

اسکر برخی بارگوکهه بود

یکه هرچه بینی همان خربود

چوره باقند آن حربان بگنج

بیه بومه را و سانند رنج

به بیمار کردن بر آراده بال

زیبار زار سکانان سانند مال

خللچون دو آن مرزو بیانه

طبع در طرانه روم اووند

بنه این دسان در [امکندر نامه] مفصل است

و مخصوص آن آن که اسکندر برای گوشمال روس ها

حرک آدم و

ز جوشیده بیرون طبیعت نماند

و آذجاً سوی دشت حوارم راه

در آن تاختن بود بخوباب و خود

نگشته شی گرد چالشکری

